

تقریر رهبر انقلاب از ایدهٔ علامه نائینی به چه معناست

نه مردم قابل حذفند، نه اسلام



زهرا طیبی خبرنگار گروه سیاست

مرحوم نائینی حکومت ولایتیه را مقابل حکومت استبدادیه تعریف می‌کند. اگرچه در دوران مشروطه مفهوم ولایت فقیه به تعبیر امروزی، نظام‌مند و شاکله‌مند نشده بود؛ اما رهبر انقلاب در دیدار به مناسبت بزرگداشت مرحوم نائینی و در تشریح نگاه او به ساختار نظام سیاسی اسلامی آن را هم‌راستا با شکل فعلی نظام حکمرانی ایران تعریف کردند. اهمیت توجه به این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که به این نکته توجه کنیم که برخی از اندیشمندان و روشنفکران منتسب به اصلاح‌طلبی، خوانش‌های سکولار از اندیشه مرحوم نائینی در مورد شکل حکومت با استناد به اهمیت نظر مردم داشتند. رهبر انقلاب اما تعبیری کامل‌تر و دقیق‌تر از اندیشه او ارائه کردند که برخلاف این تعبیر بود. برای بررسی آرا و اندیشه آیت‌الله نائینی با محمدرضا کائینی، تاریخ‌پژوه گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

نظام فکری حاکم بر اندیشه مرحوم نائینی را چقدر هم‌راستا با نظام حکمرانی اسلامی می‌بینید؟

آنچه آینه فکر مرحوم نائینی است و ما می‌توانیم به شکل اصیل و بی‌واسطه، افکار او را از آن طریق به دست بیاوریم، کتاب «تنبیه‌الامه و تنزه‌المله» است. ایشان این کتاب را برای نشان‌دادن مخالفت با استبداد و انتقال قدرت به نمایندگان مردم و شورای منتخب آنان به نگارش درآوردند. منتها نکته اینجاست که ایشان در آنجا تصریح می‌کنند؛ چون اکنون زمینه برای اعمال ولایت نواب عام امام، به‌عنوان کسانی که مجاری امور در زمان غیبت در دستشان است و آنان باید متولی اداره امور شوند، فراهم نیست، ما رضایت می‌دهیم که از یک حاکم مستبد و یک سلطان جائز رفع ید شود و قدرت از او سلب گردد و مجمعی از نمایندگان مردم به اداره کشور بپردازند. این به آن معنا نیست که نظام ایدئال مرحوم نائینی همان نظام موجود مشروطیت است، بلکه دفع افسسده به فاسد مدنظر است؛ یعنی نظام حکمرانی فردی و استبدادی دور از احکام، جای خود را می‌دهد به مجمعی که به‌هر‌حال فردی نیست، جمعی است، حاکی از نمایندگان مردم است و به‌طور نسبی هم به احکام، پایبند هستند. این مغالطه‌ای که معمولاً صورت می‌گیرد که ایشان به حکومت‌شورا یا اکثریت، اعتقاد داشته است، منتها از نوعی که امروزه از آن به «سکولار» تعبیر می‌شود، کاملاً غلط است. ایشان اعتقاد به ولایت‌فقیه دارد، منتها چون زمینه را برای اعمال آن فراهم نمی‌بیند و آن را بهتر از حکومت استبدادی ناصرالدین‌شاه و مظف‌الدین‌شاه می‌داند، مشروطه را تئوریزه می‌کند.

برخی اندیشه آقای نائینی را در تقابل با نظام جمهوری اسلامی فعلی می‌بینند، برای مثال در موضوع اهمیت‌دادن به آرا و نظر مردم یک خوانش غربی از اندیشه ایشان ارائه می‌کنند. حضرت آقا در صحبت‌هایشان دقیقاً به همین موضوع اشاره می‌کنند و این اندیشه را هم‌راستا با نگاه جمهوری اسلامی می‌دانند و تأکید می‌کنند، تقریباً آنچه که در نظام حکمرانی اسلامی ما حاکم است، مطابق با اندیشه‌های مرحوم نائینی است.



در نگاه کلان، توجه به رأی، اراده و خواست مردم، در ذات و جوهره اسلام وجود داشته است. شاهدش هم رفتار پیامبر در دوران حکومت است. اما اگر منظور این حضرات این است که صرفاً رأی مردم حاکم است، منهای اراده الهی و احکام اسلام، چنین چیزی را نه به‌نوعی، نه به هیچ فقیهی، بلکه به هیچ مسلمانی نمی‌شود نسبت داد. مغالطه اینجاست که اگر می‌خواهند نائینی را به‌عنوان یک سکولار نشان دهند، طبعاً نه او و نه هیچ فقیه دیگری نسبت به این مسئله فتوا نداده است. نائینی در تنبیه ال‌امه، مشروطیت را به کنیز سیاهی تشبیه می‌کند که می‌شود دستانش را شست؛ یعنی هم حکومت پادشاهی و هم مشروطیت هر دو سیاه هستند، منتها فقط آلودگی دستان این کنیز سیاه مشروطیت را می‌توان برطرف کرد و دستانش را شست، یعنی همان تطابق نسبی با مقصد شریعت و احکام اسلام مدنظر ایشان است. آنچه اسلام مدعی است و فقها نیز مدعی آن هستند، این است که پیامبر مشورت می‌کرد و مسلمانان را جدی می‌گرفت، منتها در محدوده‌ای که جای رأی آنان بود. اما جایی که قبلاً تکلیفش را احکام مشخص کرده، هیچ فقیهی نسبت به چنین چیزی روی خوشی نشان نداده و دادن چنین نسبتی توهین به اوست.

ایشان در مقابل حکومت استبدادیه، حکومت ولایتیه را طرح می‌کنند.
آقای‌نائینی در همان فقره‌ای که به آن استناد کردم از «تنبیه‌الامه» می‌گوید که حکومت از آن خداست، از آن پیامبر و امام معصوم و نواب امام معصوم، نواب عام که از باب امور حسبیه در عصر غیبت متولی حکومت هستند. منتها چون اکنون امکان برقراری این حکومت نیست، ما مشروطه را به اسلام و مصدر اسلام



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دست‌اندرکاران همایش بین‌المللی علامه میرزای نائینی (ره)، در صبح روز پنجشنبه (۱۴۰۴ آبان ۱)، علامه نائینی را از استوانه‌های رفیع علمی و معنوی حوزه کهن نجف خواندند و در بیان ابعاد شخصیتی ایشان گفتند: «از جنبه تخصصی، خصوصیت برجسته مرحوم نائینی، شاکله‌سازی در علم اصول بر مبنای نظم فکری و علمی و نوآوری‌های قوی و پرتعداد ایشان است.»

رهبر انقلاب اسلامی، تربیت شاگردان برجسته را از دیگر ویژگی‌های علامه نائینی برشمردند و خاطرنشان کردند: «خصوصیت برجسته دیگر که ایشان را در بین مراجع به شخصیتی استثنایی تبدیل می‌کند، برخورداری از اندیشه سیاسی است که در کتاب ارزشمند و مهجور «تنبیهٔ ال‌امه» انعکاس یافته است.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اعتقاد به تشکیل حکومت اسلامی بر پایه ولایت در مقابل استبداد را از ارکان اندیشه سیاسی علامه نائینی خواندند و افزودند: «بر اساس اندیشه سیاسی مرحوم نائینی، حکومت

نزدیک‌تر می‌بینیم، این کاملاً مشخص است که ایشان هم به ولایت، به معنای تنفیذ و نافذ بودن، اعتقاد دارد، منتها آن زمان زمینه را برای اجرای آن فراهم نمی‌دید. به‌رغم همه این حرف‌ها، نائینی را فقیه بسیار بزرگی می‌دانم، اما از تناقض و خلل در اندیشه‌پردازی خالی نیست. قطعاً به آرای او هم ایراداتی وارد است.

آقای نائینی قائل به ولایت مطلقه فقیه بودند؟

در آن زمان چون اساساً بحث ولایت‌فقیه، امکان ظهور و بروز نداشته، در این زمینه به شکل شفاف بررسی نکرده‌اند. اما آنچه برای ما مهم است این است که ایشان حداقل تصدی فقها در امور اجتماعی را از باب حسبه پذیرفته و این را در «تنبیه» به‌صراحت بیان داشته است. اما اینکه وسعت نظرشان مثل امام بوده یا خیر، جای بحث و تحقیق دارد. فقهای پیشین به‌خاطر اینکه زمینه را فراهم نمی‌دیدند، به این مسائل نپرداختند. علت اینکه امام به این مسئله پرداخت این بود که خودش به‌عنوان فقیه، حکومت تشکیل داد و به نیازهای زمان نیز پاسخ می‌داد و به‌خاطر همین، دامنه‌اش را توسعه داد. شاید اگر همان زمان نائینی نیز چنین حکومتی را تأسیس می‌کرد و به چهارچوب‌هایی‌که در مقابلش قرار می‌گرفت و چالش‌ها برمی‌خورد او هم ایسن کار را انجام می‌داد. منتها خیلی معتقد بودند نیاز نیست که به چنین مسائلی پرداخته شود، چون اساساً نیاز نیست. به همین دلیل تصور دقیقی از نظریات آن‌ها نداریم.

حضرت آقا در صحبت‌هایشان، نظام مشروطه را یک نظام وارداتی می‌دانند که خروجی‌اش می‌شود اعدام شیخ فضل‌الله نوری و ترور آقای بهبهانی و اساساً حتی این واژه مشروطه را هم واژه‌ای انگلیسی می‌دانند.

در آغاز نهضت مشروطه دعوا سر این بود که حکومت و دولت مطلق‌العنان

مأموریت دارد تا پروژه‌های میدانی را پیش ببرد، فشار بر گروه‌های فلسطینی را حفظ کند و توازن قوا در منطقه را به نفع بلوک غرب نگه دارد. در مقابل، ایالات متحده وظیفه دارد این اقدامات را در سطح بین‌المللی توجیه کند، هزینه‌های دیپلماتیک را بپردازد و از اسرائیل در برابر موج انتقادات جهانی حمایت کند. اما کافی است یکی از طرفین از مرز این تقسیم‌کار عبور کند تا عمق شکاف‌ها دیده شود. تصویب پیش‌نویس طرح الحاق در کنست درست در زمانی اتفاق افتاد که دولت ترامپ درگیر آرام‌نشان‌دادن وضعیت در غزه بود و تلاش می‌کرد چهره‌ای میانجی‌گر و عمل‌گرا از خود نشان دهد. اسرائیل در چنین شرایطی قانونی تصویب کرد که کاملاً خلاف توافق آتش‌بس است. در نتیجه این اتفاق، برنامه کاخ سفید در جهت دستاوردمساز برای ترامپ در حوزه سیاست خارجی به خطر افتاد. به همین دلیل بود که بلافاصله روبوو، ونس، ترامپ و حتی نتانیا‌هو با لحنی تند با آن مخالفت کردند.

دوراهی نتانیا‌هو

همه این‌ها نشان می‌دهد سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه دیگر شباهتی به دوران یک‌جانبه‌گرایی ندارد. هزینه حضور نظامی، فشارهای داخلی برای کاهش حمایت بی‌قیدوبشرط از اسرائیل و

و همه مسئولان آن باید تحت نظارت ملی و پاسخگو باشند که لازمه آن تشکیل مجلس مبعوثان با برگزاری انتخابات به‌منظور نظارت و قانون‌گذاری است و اعتبار قوانین این مجلس نیز منوط به تأیید فقها و علمای برجسته دینی است. «

ایشان چهارچوب موردنظر علامه نائینی، یعنی تشکیل حکومتی اسلامی و مردمی را به تعبیر امروزی همان جمهوری اسلامی خواندند و در خصوص علت جمع‌آوری کتاب «تنبیه‌الامه» به دست خود میرزای نائینی گفتند: «مشروطه‌ای که مرحوم نائینی و علمای نجف از آن حمایت کردند در واقع حمایت از برقراری حکومت عدالت و رفع استبداد بود و با آنچه انگلیسی‌ها در ایران به نام مشروطه ایجاد کردند که به اختلافات و وقایعی همچون به دار کشیدن مرحوم شیخ فضل‌الله نوری منتهی شد، متفاوت بود.»

در این دیدار، آیت‌الله اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه گزارشی از برنامه‌ها و فعالیت‌های همایش بین‌المللی بزرگداشت علامه نائینی بیان کرد.

است، هر که را بخواهد به فلک می‌بندد، هر که را بخواهد نفی بلد می‌کند، هر که را بخواهد می‌کشد. صحبت این بود که باید قاعده و قانون و نظام‌نامه‌ای وجود داشته باشد. صحبت این بود که دولت حق ندارد هر وقت دلش خواست فردی را برسردارد، فلان تاجر را به چوب فلک ببندد، فلانی را هر وقت خواست، تبعید کند یا هر وقت دلش خواست کسی را بزند. باید حساب‌و‌کتاب و قاعده‌ای وجود داشته باشد که ظلم وجود نداشته باشد و ظلم اتفاق نیفتد. به همین دلیل اسم مشروطه و مشروطه‌خواهی، «عدالت‌خانه» بود و می‌گفتند ما عدالت‌خانه می‌خواهیم. مشروطه پدیده‌ای بود که روشنفکران باب کردند و نهایتاً قبول‌اندند و علما هم سعی کردند آن را تصحیح کنند یا از نظر دینی به توجیهش بپردازند. در ابتدا مقصود مردم از مشروطه، برقراری عدالت‌خانه بود؛ جایی که به تعظلمات رسیدگی می‌کند و مانع از سرکشی و طغیان و طاغوت دولت‌ها می‌شود.

و بعد دچار انحراف شد.

ما سه جریان در مشروطه داریم که هر کدام سرنوشت‌های جالبی پیدا کردند. یک جریان مشروطه‌خواه مشروعه‌خواه داریم که سر مدار آن شیخ فضل‌الله است که همان اول بعد از مشروطه اول او را اعدام کردند و کار را تمام کردند. یک مشروطه‌خواه داریم که پسوند «مشروعه‌خواه» هم ندارد و با جریان روشنفکری همکاری کرده که سمبل و نمادهایش طباطبایی و بهبهانی هستند. آن‌ها هم در گام بعدی کشته و منزوی گشتند. حتی تفنگ‌داران و تفنگچیان مشروطه‌خواه داریم که به آن‌ها هم رحم نکردند و آن‌ها را هم منزوی کردند و کشتند، مثل ستارخان و باقرخان. کار افتاد دست سوسیالیست‌های قفقازی، امثال حزب دموکرات و چهره‌های شاخصش، مانند حیدر عموآغلی، بمب ساز و تقی‌زاده ارمنی که دموکرات است؛ بنابراین نه‌تنها به اهدافشان نرسیدند، بلکه تمام رهبران واقعی‌شان هم کشته شدند.

تحولات منطقه‌ای، ازجمله نزدیکی کشورهای عربی به چین و روسیه و سفر نخست‌وزیر کانادا به چین، آن هم پس از جدال لفظی با ترامپ، همگی موجب شده‌اند آمریکا با احتیاط بیشتری در کنار اسرائیل بایستد. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی بر اساس محاسبات درونی خود عمل می‌کند و چندان در پی هماهنگی کامل با آمریکا نیست. برای بن‌گوبر، اسموترتیرج و دیگر چهره‌های راست افراطی مسئله اصلی، الحاق کرانه باختری به‌عنوان بخشی از سرزمین‌های تحت اشغال اسرائیل است. این جریان اعتقاد دارد حتی اگر آمریکا برای مدتی فاصله بگیرد، فشارهای لای‌های صهیونیستی و تحولات سیاسی در واشنگتن درنهایت موجب بازگشت حمایت‌ها خواهد شد. در این میان، بنیامین نتانیا‌هو میان دو جبهه متضاد گرفتار شده است: از یک‌سو دولت آمریکا‌که از او انتظار دارد روند سیاسی کنترل‌شده‌ای را پیش ببرد و از سوی دیگر متحدان تسدروی داخلی که او را به «سازش با دشمن» متهم می‌کنند. درحالی‌که شکاف‌های درونی کابینه‌اش رو به گسترش است و نظرسنجی‌ها سقوط محبوبیت او را تأیید می‌کنند، هر تصمیمی می‌تواند برایش هزینه‌زا باشد. اگر با آمریکا همراه شود، جناح راست داخلی را از دست می‌دهد و اگر در برابر واشنگتن بایستد، حمایت بین‌المللی حیاتی‌اش را.

مأموریت دارد تا پروژه‌های میدانی را پیش ببرد، فشار بر گروه‌های فلسطینی را حفظ کند و توازن قوا در منطقه را به نفع بلوک غرب نگه دارد. در مقابل، ایالات متحده وظیفه دارد این اقدامات را در سطح بین‌المللی توجیه کند، هزینه‌های دیپلماتیک را بپردازد و از اسرائیل در برابر موج انتقادات جهانی حمایت کند. اما کافی است یکی از طرفین از مرز این تقسیم‌کار عبور کند تا عمق شکاف‌ها دیده شود. تصویب پیش‌نویس طرح الحاق در کنست درست در زمانی اتفاق افتاد که دولت ترامپ درگیر آرام‌نشان‌دادن وضعیت در غزه بود و تلاش می‌کرد چهره‌ای میانجی‌گر و عمل‌گرا از خود نشان دهد. اسرائیل در چنین شرایطی قانونی تصویب کرد که کاملاً خلاف توافق آتش‌بس است. در نتیجه این اتفاق، برنامه کاخ سفید در جهت دستاوردمساز برای ترامپ در حوزه سیاست خارجی به خطر افتاد. به همین دلیل بود که بلافاصله روبوو، ونس، ترامپ و حتی نتانیا‌هو با لحنی تند با آن مخالفت کردند.



زیاده‌خواهی‌های نتانیا‌هو صدای ترامپ را هم درآورد

بر کرانهٔ اختلاف



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

کرانه باختری، نقطه نزاع جبهه آمریکایی – صهیونی شده است. کنست رژیم صهیونیستی روز چهارشنبه ۳۰ مهر به پیش‌نویس طرحی برای اعمال حاکمیت رژیم بسر کرانه باختری رأی مثبت داد. این طرح با اختلاف تنها یک رأی (۲۵ در برابر ۲۴)، به تصویب رسید. رأی به الحاق کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی در حالی رخ داد که یک ماه قبل، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرده بود اجازه نخواهد داد اسرائیل کرانه باختری اشغالی را ضمیمه کند. او با تأکید بر همین امر، توافق صلح در غزه را اجرا کرد. آتش‌بس به فلسطین اشغالی سفر کرده بود، در واکنش به تصویب این طرح اعلام کرد ایالات متحده «اجازه نخواهد داد» اسرائیل «کرانه باختری» را به شهرک‌های اشغالی الحاق کند. مازکو روبوو، وزیر امور خارجه آمریکا هم پیش از سفر به سرزمین‌های اشغالی گفت دونالد ترامپ «به‌روشنی» اعلام کرده است که رأی‌گیری کنست درباره الحاق کرانه باختری، «موضوعی نیست که ما از آن حمایت کنیم.» خود ترامپ نیز در نشست خبری شامگاه پنجشنبه در پاسخ به پرسشی درباره این موضوع گفت: «نگران کرانه باختری نباشید، اسرائیل هیچ کاری در آنجا انجام نخواهد داد.» بالین حال جناح راست افراطی در اسرائیل، تمام‌قد مقابل ترامپ ایستاده و بر موضع خود پافشاری می‌کنند. ایتمار بن‌گوبر، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی با دهن‌کجی به موضع مقامات آمریکایی ازجمله ترامپ، اسرائیل را «مستقل» خواند و طی ادعایی هشدار داد که مروان البرغوثی (فرمانده فلسطینی مدنظر ترامپ برای حکمرانی غزه) قاتل است و آزاد نخواهد شد و بر غزه حکمرانی نخواهد کرد.

افول ائتلاف نتانیا‌هو درکنست

بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل که ظاهراً از این اقدام کنست رضایت ندارد آن را «تحریک سیاسی عامدانه از طرف مخالفان با هدف ایجاد شکاف و اختلاف» خوانده است. فارغ از نیت واقعی نتانیا‌هو، در تازه‌ترین نظرسنجی روزنامه معاریو، ائتلاف حاکم به رهبری بنیامین نتانیا‌هو فقط ۵۰ کرسی از مجموع ۱۲۰